

نگاهی به ترجمه قرآن استاد جلال الدین فارسی

رضا رضایی

ترجمه قرآن به زبانهای گوناگون در ردیف ضروری ترین و مهمترین پژوهشهای قرآنی به شمار می‌رود؛ چرا که قرآن، پیامی است از سوی خداوند که در قالب الفاظ عربی بر خاتم پیامبران صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل گردیده است و بر طبق گواهی بسیاری از آیات قرآن، غرض از نزول آن، فراهم آمدن زمینه هدایت برای همه مردم است؛ از هر قوم و نژادی که باشند، در هر زمان و مکانی که زندگی کنند، با هر زبانی که سخن گویند.

« تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا » (فرقان/۱)

برکت آفرین است خداوندی که فرقان (قرآن) را بر بنده‌اش (محمد ۱۲) نازل کرد تا جهانیان را اندازگر باشد.

« كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ » (ابراهیم/۱)

(قرآن) کتابی است که ما بر تو نازل کردیم تا مردم را به فرمان پروردگارشان، از تاریکیها بیرون آورده و به سوی نور ببری.

و در پرتو ترجمه قرآن است که زمینه بهره‌گیری همگان از قرآن فراهم می‌آید و بسیاری از انسانها که با زبان عربی آشنا نیستند، می‌توانند از تعالیم قرآن بهره‌مند شوند.

کار ترجمه با رسالت و مسؤولیتی که بر دوش دارد، کاری دشوار و دقیق است و در این میان، ترجمه قرآن به عنوان کلام خالق و پیام جاودان، از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار است و از آن جا که زبان، چنان بسیاری از پدیده‌ها با پیشرفت زمان تحوّل می‌پذیرد و تکامل می‌یابد، اگر دهها ترجمه دیگر هم از قرآن سامان گیرد، بی‌نیاز کننده از ترجمه‌های بعدی نخواهد بود.

خوشبختانه، در سالهای اخیر روند کار ترجمه قرآن به فارسی، شتاب بیشتری گرفته است. به گونه‌ای که در مدت زمان نسبتاً کوتاهی چند ترجمه فارسی از قرآن کریم، انتشار یافته است و نوید انتشار ترجمه‌های دیگری به دستداران معارف قرآن داده شده است.

یکی از ترجمه‌های قرآن، ترجمه‌ای است که به همت آقای جلال الدین فارسی شکل گرفته و نخستین چاپ آن در سال ۱۳۶۹ هـ - ش انتشار یافته است.

طبیعی است که هر گاه ترجمه‌ای جدید از قرآن در دسترس قرار گیرد، این انتظار و توقع در نسل پژوهشگر پدید می‌آید که ترجمه در مقایسه با ترجمه‌های پیش، از امتیازهایی برخوردار باشد و بخشی از کاستیهای موجود در ترجمه‌های پیشین را بر طرف کرده و بر اتقان و زیبایی آن افزوده باشد.

این که آیا ترجمه آقای فارسی از قرآن، توانسته است چنان توقع و انتظاری را برآورده سازد، یا خیر؟ نکته‌ای است که در این پژوهش کوتاه با جمال، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ناگفته نماند که مترجم محترم، در مقدمه کوتاهی که بر ترجمه خود از قرآن کریم نوشته است، به صورت غیر مستقیم به پرسشهای مقدّری که یاد شد، پاسخ گفته و در همان مقدمه، قواعدی را برشمرده است که با رعایت آن قواعد در فنّ ترجمه قرآن، می‌توان به نتایج مثبتی دست یافت. اما آیا خود ایشان تا چه اندازه به رعایت آن نکات پایبند بوده و تا کجا در این مسیر توفیق یافته است؟ بی‌تردید این نگرش کوتاه نمی‌تواند مدّعی باشد که پاسخی همه‌جانبه به پرسش فوق‌بدهد، اما می‌توان گفت که دریچه‌ای را به منظر این ترجمه می‌گشاید. نگارنده این سطور از آغاز نوجوانی که روخوانی قرآن را آموخته است، همواره در آرزوی دستیابی به ترجمه‌ای روان و دقیق از قرآن کریم بوده است.

حضور ترجمه آقای جلال الدین فارسی در مجموعه ذخایر ترجمه‌های قرآن، نوید ترجمه‌ای قوی و رسا را داد، چرا که مترجم محترم از صاحب نظران معاصر و نان آشنا بود. اما پس از مطالعه آن، نکاتی شایان ذکر به ذهن رسید و از آنجا که مترجم محترم از مطالعه کنندگان خواسته‌اند که از اظهار نظر و پیشنهاد دریغ نکنند، نگارنده طی تلاوت حدود نه جزء از قرآن کریم و مروری بر ترجمه آن، نکاتی را یادداشت کرده‌ام که از سر اخلاص مطرح می‌کنم. همزمان با تنظیم نکات یاد شده، اطلاع یافتیم که برخی از اهل تحقیق و نظر نقدی بر ترجمه آقای فارسی نوشته‌اند که پس از مطالعه آن، معلوم شد بسیاری از نکات مورد نظر ما در مقاله ایشان آمده است. از این روی، در این مختصر به ذکر نکاتی بسنده شد که از تکرار به دور باشد.

۱. عبارت قرآنی «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» (فاتحه/۱ و ۳) چنین ترجمه شده است: «بخشاینده مهربان». بسیاری از مترجمان دیگر هم، عبارت قرآنی فوق را به همین گونه ترجمه کرده‌اند و چه بسا مورد انتقاد هم قرار گرفته باشند. گویا آقای فارسی هم در این مورد، تسلیم اکثریت شده و همان ترجمه غیر محققانه را ترجیح داده‌اند. برخی از ایرادهایی که بر ترجمه یاد شده وارد است، از این قرار است:

الف. «الرَّحْمَنُ» صیغه مبالغه است و «الرحیم» صفت مشبّه و همان گونه که می‌دانیم صیغه مبالغه دلالت بر کثرت دارد و صفت مشبّه دلالت بر دوام و در ترجمه آیه، این دو نکته رعایت نشده است.
ب. صفت «الرَّحْمَنُ» و «الرحیم» هر دو از ماده رحمت اشتقاق یافته‌اند، به چه دلیل در ترجمه کلمه «الرَّحْمَنُ» بخشاینده و در ترجمه کلمه «الرحیم» مهربان آورده شده است.
ج. بخشاینده‌گی و مهربان بودن، دو مصداق از مصادیق رحمت خدا به شمار می‌روند و به عبارت دیگر، مفهوم رحمت، گسترده‌تر از چیزی است که در ترجمه آمده است.

۲. عبارت قرآنی «يَوْمَنونَ بِالْغَيْبِ» چنین ترجمه شده است: «و کسانی که به نادیده، می‌گروند». مترجم محترم کلمه «نادیده» را در ترجمه واژه قرآنی «الغیب» آورده است که اگر نگوییم غلط است، بدون تردید

ترجمه دقیقی نسبت، زیرا حقایق غیبی عبارتند از چیزهایی که قوای حسّی آدمی از درک آن ناتوان است. البته یکی از ویژگیهای حقایق غیبی هم این است که دیده نمی‌شوند. به طور کلی در مورد واژه‌های قرآنی که معدل فارسی دقیقی برای آن درست نیست، بهتر این است که در ترجمه، با خود آن واژه آورده شود، و یا به گونه‌ای از واژه اصلی برای ترجمه کمک گرفته شود. همان گونه که مترجم محترم در ترجمه عبارت « وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ » (بقره ۳) نوشته‌اند: «و از آنچه روزیشان کردیم انفاق می‌کنند».

و یا در ترجمه « وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ » (بقره / ۴) آورده‌اند: « و به آخرت، ایشان یقین دارند» در صورتی که ممکن بود در ترجمه « يُنْفِقُونَ » می‌بخشند، و در ترجمه « يُوقِنُونَ » باور دارند، آورده شود. جالب است مترجم، در موارد دیگر که واژه «الغیب» آمده است نکته یاد آوری شده را رعایت کرده‌اند. از جمله در آیه ۳۴ سوره بقره، عبارت قرآنی « إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ » این گونه ترجمه شده است:

«من نهانی (غیب) آسمانها و زمین را می‌دانم.»

و یا در ترجمه «و لا اعلم الغیب» (انعام / ۶) آورده‌اند:

«و من غیب نمی‌دانم.»

و همچنین در ترجمه « ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ » نوشته‌اند:

«آن گاه، سوی دانای غیب ... و مشهود باز گردانده می‌شوند.»

و در ترجمه « وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ » (انعام/۵۹) آمده است:

«و کلیدهای غیب در دست اوست.»

۳. آیه ۴ سوره بقره « وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ ... » چنین ترجمه شده است:

«و کسانی که به آنچه به سوی تو فرو فرستادیم و آنچه پیش از تو فرو فرستادیم ایمان می‌آورند.»

در آیه مبارکه کلمه «انزل» در هر دو مورد، ماضی مفرد و مجهول است، ولی به صورت متکلم مع الغیر ترجمه شده است. ترجمه درست عبارت چنین است: و کسانی که به آنچه بر تو و آنچه پیش از تو نازل گشته است، ایمان می‌آورند.

۴. عبارت قرآنی « وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ » (بقره/۱۹۱) چنین ترجمه شده است:

«و شکنجه از دین بیرون بردن، بدتر از کشتن است.»

و همین گونه در ترجمه آیه ۱۹۳ همان سوره « وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ » آمده است:

«و با آنان بجنگید تا شکنجه از دین بیرون بردن نباشد.»

ترجمه واژه «فتنه» به شکنجه از دین بیرون بردن « گذشته از این که ترجمه شیوایی نیست، جای این پرسش را هم دارد که به چه دلیل مترجم محترم از معانی واژه «فتنه» این معنا را واز احتمالاتی که مفسران در تفسیر واژه «فتنه» ذکر کرده اند، این احتمال را برگزیده است.

در این باره، مرحوم طبرسی پس از طرح معانی لغوی واژه «فتنه» نوشته است:

«والمراد بها في الآية: الشَّرْكُ بالله ورسوله»^۱

مراد از فتنه در این آیه، شرک به خدا ورسول اوست.

نیز شیخ طوسی در باره معنای واژه «فتنه» می نویسد:

«قال الحسن وقتاده وجميع المفسرين أنّها الكفر.»^۲

حسن وقتاده وتمام مفسران گفته اند که مراد از «فتنه» در این آیه، کفر است.

همو، در جای دیگر می نویسد:

«والفتنه: الشَّرْكُ في قول ابن عباس وقتاده و الربيع وبن زيد و هو المروى عن ابى جعفر ١١.»^۳

مرحوم علامه طباطبایی در این باره، نوشته است:

«والفتنه في لسان هذه الآيات هو الشَّرْكُ باتّخاذ الاصنام كما كان يفعل المشركون ويدلّ عليه قوله تعالى

:«ويكون الدين كلّهُ لله»^۴

کلمه فتنه در لسان این آیات به معنای شرک است... و دلیل این که گفتیم «فتنه» در این آیات به معنای

شرک است، جمله بعدی آیه «ويكون الدين كلّهُ لله» است.

۵. در ترجمه « وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ » (بقره/۱۹۸) نوشته است:

« وگر چه پیش از آن گمگشتگان بودید.»

بهتر است در ترجمه « الضَّالِّينَ »، گمراهان آورده شود، همان گونه که مترجم محترم عبارت «

ولا الضَّالِّينَ » (فاتحه/۷) را به گمراهان ترجمه کرده است.

۶. آیه مبارکه « وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ » (بقره/۲۰۷)، چنین ترجمه شده است:

« واز آدمیان کسی هست که خویشتن در طلب خشنودی خدا بفروشد...»

در ترجمه آیه یاد شده، وفادار ماندن به متن در حدی است که به زیبایی و رسا بودن ترجمه صدمه زده

است. بدون تردید کلمه «یشری» در آیه مبارکه به معنای خرید و فروش اصطلاحی نیست، بلکه معنای

کنایی آن مراد است. ممکن است مترجم محترم بفرماید: در ترجمه هم همان معنای کنایی اراده شده است

که مسلم همین طور است، ولی اگر دقت کنیم در زبان فارسی برای بیان این مقصود، بیشتر تعبیر جانبازی

در راه خدا و جان باختن در راه حق به کار می رود.

۷. در آیه مبارکه ۱۱ سوره نساء، عبارت قرآنی « مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ » به این صورت ترجمه شده است:

« پس از انجام وصیتی که وی می‌کند یا قرضی که هست. »

عبارت فوق، بخشی از آیه ای است که در آن حکم میراث طبقه اول و چگونگی تفسیم میراث بیان گشته است. در این بخش از آیه، تصریح شده است که وارثان هنگامی مجازند مال میت را میان خود تقسیم کنند که میت وصیتی نکرده باشد و بدهکار نباشد، اما در صورتی که وصیتی کرده است با بدهکار است، نخست باید به وصایای او عمل شود و بدهکاری او پرداخت شود، آن‌گاه باقیمانده اموال میت میان ورثه تقسیم گردد.

ایراد نگارنده، بر ترجمه متن این بخش از آیه نیست و فرض هم بر این است که مترجم با درک درستی از مراد آیه، به ترجمه آن پرداخته است. اما نکته ای که از دید مترجم پنهان مانده است، ارتباط این بخش بابخشهای دیگر آیه است که می‌بایست این ارتباط، با افزوده شدن توضیحی کوتاه حفظ می‌شد. در صورتی که می‌بینیم به ترجمه لفظ اکتفا شده و هیچ‌گونه توضیحی در کنار آن نیامده است و در نتیجه مطالعه کننده فارسی زبان، که فرضاً آگاهی چندانی از احکام میراث ندارد، بدشواری می‌تواند مراد آیه را دریابد و چه بسا در برداشت از ترجمه آیه دچار اشتباه گردد و چنین تصور کند که حکم مذکور در این بخش از آیه، مربوط به قسمت اخیر است. (یعنی صورتی که وارثان میت عبارتند از چند برادر و مادر). بخصوص این که در ویرایش این قسمت، از علائم سجاوندی مناسب هم استفاده نشده است.

در ترجمه این قسمت از آیه، به ترجمه آقای عبدالمحمد آیتی مراجعه شد. ترجمه ایشان چنین است:

« اما اگر برداران داشته باشد، سهم مادر، پس از انجام وصیتی که کرده و پرداخت وام او، یک ششم است. »

اگر نگوییم که مترجم محترم در ترجمه این بخش از آیه به خطا رفته، بدون تردید ترجمه ای نارسا و از دقت به دور است و ابهام آن، از ترجمه آقای فارسی بیشتر است.

۸. عبارت « وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا » (نساء/۴۹) « وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا » (نساء/۷۷) و « وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا » (اسراء/۷۱)، به ترتیب، چنین ترجمه شده است: « و به اندازه پوسته ای ستم نمی‌شوند. » « و به اندازه پوسته ای به شمان ستم نرود. » و « و به اندازه پرزه ای برایشان ستم نشود. »

در این که معنای واژه «فتیل» چیست؟ در کتابهای لغت چند احتمال ذکر شده است:

الف. رشته نازکی که در شکاف هسته خرما مشاهد می‌گردد.

ب. رشته نازک درون خرما.

ج. به معنای نقطه ای در درون هسته خرما.

ممکن است به معنای «پوسته» و «پرزه» هم باشد، ولی واژه «فتیل» به هر معنایی که باشد بی تردید در آیات یاد شده کنایه از چیز کوچک و اندک است. با توجه به این که هیچ کدام از معانی محتمل مرجحی

ندارند، بهتر است همان معنای کنایی در ترجمه آورده شود و مثلاً در ترجمه « وَلَا يُظَلِّمُونَ فَتِيلًا » نوشته شود: و کمترین ستمی بر آنان نخواهد شد.

۹. آیه ۳ سوره مائده: « فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمِهِ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ » چنین ترجمه شده است:

« پس هرکس در گرسنگی جانگاہ بدون تمایل، به گناه ناچار شود بداند که خدا آمرزنده ای مهربان است: این بخش از آیه ناظر است به محرماتی که در آغاز آیه بیان گردیده است. مقصود این است که استفاده از آن محرمات در حال ناچاری، مانعی ندارد.

ایرادی که در مورد ترجمه این قسمت به نظر می‌رسد، نارسا بودن ترجمه در انتقال مقصود است، بخصوص این که میان این بخش از آیه و بخش آغازین آن عبارت قرآنی: « اليوم یئس الذین کفرو من دینکم... » فاصله افتاده است که بظاهر، چندان ارتباطی با صدور و ذیل آیه ندارد.

۱۰. آیه ۱۰۳ سوره مائده: « مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ » بدین گونه ترجمه شده است:

« خداهیچ بحیره و سائبه و وصیله و حامی را مقررنداشته است.

نگارنده با مطالعه ترجمه این آیه، به یاد لطیفه ای افتاد که گویند خردمندی از فرزند خود پرسید: تربیت نااهل را چون گردکان بر گنبد است. یعنی چه؟

فرزند بدون تأمل، پاسخ داد: یعنی، تربیت نااهل را چون گردکان بر گنبد است!

غرض از ترجمه قرآن، یاری رساندن به آنهاست که بالغت و اصطلاحات عربی آشنایی ندارند و می‌خواهند با کمک گرفتن از ترجمه به اندکی از معارف قرآن دست یابند. قطعاً با این شکل از ترجمه، آن غرض تأمین نخواهد شد. در چنین مواردی، افزودن توضیحاتی کوتاه و گویا، در کنار ترجمه، تنها راه حل مشکل است.

۱۱. آیه ۱۷ سوره مبارکه اعراف: « ثُمَّ لَا تَنبِتُهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ... » چنین ترجمه شده است:

« آن گاه از راه تاریخ و لحاظ آینده و از طریق امور خوشایند و شوم به آنان بپردازم... »

شگفت آور است که مترجم محترم گاهی چنان در ترجمه آیات، به الفاظ آیه وفادار مانده است و زمانی این چنین الفاظ آیه را نادیده گرفته و به ترجمه ای کاملاً آزاد روی آورده است. آنچه در ترجمه این آیه آمده است، با فرض صحت آن، می‌بایست به عنوان توضیح و به شکلی متمایز از ترجمه افزوده می‌شد. در پایان، به نمونه ای از تعبیرات تکلف آمیز و نامأنوس، که در ترجمه راه یافته است، اشاره می‌شود:

* بقره/۳۴: «... فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى... »

پس سجده بردند جز ابلیس، سرفراپیچید.»

* مائده/۵: «... وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ...»

« و زنان خویشتن پای مؤمن .»

* مائده/۸: «... عَلَيَّ إِلَّا تَعْدِلُوا أَعْدِلُوا...»

« که پا از خط داد بدر نهید، برخط داد باشید.»

* مائده/۴۹: «... وَاحْذَرَهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ...»

« و از آنان برحذر باش که تو را از پاره ای از آنچه به سویت فروفرستاد بدر لغزانند.»

* مائده/۸۲: «... أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً...»

« سخت دشمنی ترین آدمیان.»

* انعام/۵۵: «... وَكَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ...»

« و بدین گونه آیات را بشرح می آوریم.»

* انفال/۲۹: «... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو

الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»

« هان ای کسانی که ایمان آوردید، اگر از خدا پروا گیرید برای شما مایه تمیزی قرار می دهد... و خدا

دارای دهشی عظیم است.»

* اعراف/۱۸۴: «... بِصَاحِبِهِمْ...»

« همشهریشان.»

* انعام/۶۸: «... وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا»

« و چون کسانی را ببینی که شروع می کنند به زدن حرف ناسزا در باره آیات ما.»

* انفال/۲۷: «... وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ...»

« و این که به سوی او فراهم برانگیخته می شوید.»

۱ . طبرسی ، مجمع البیان ، (بیروت ، دارالمعرفة) ، ۵۱۱/۱ ، ذیل آیه ۱۹۱ .

۲ . شیخ طوسی ، تبیان ، (بیروت ، دارإحیاء التراث) ، ۱۴۶/۲ ، ذیل آیه ۱۹۱ .

۳ . همان / ۱۴۷ ، ذیل آیه ۱۹۳ .

۴ علامه طباطبایی ، المیزان ، (بیروت ، مؤسسه اعلمی) ، ۶۲/۲ ، ذیل آیه ۱۹۳ .